

Knowledge of political interpretation

Vol 5, No 17, Autumn 2023

ppt 179-201

Received: 01, JUL, 2023

Accepted: 07, OCT, 2023

The role of Iranian-Islamic culture in establishing regional peace and security (Middle East) in the years 2000 to 2015

Samaneh Madhi¹

Niloufer Zarinkameri²

Hamzeh_alipour³

Alireza sohrabinoor⁴

Abstract

The growth of religious discourse following the reinvigoration of religious thought by the Islamic Revolution, based on the integration of republicanism and Islamism, paved the way for the expansion and qualitative enhancement of religious norms and the intellectual progress of Muslim societies in line with the developments in modern tools and technology. The Islamic Revolution, emphasizing the necessity of enhancing the development and efficiency of internal and indigenous elements of Islamic societies, and the imperative of their dynamic adaptation and compatibility with global changes and the requirements of the time, was able to provide a logical and informed perspective on religious beliefs and social transformations. By evolving intellectual foundations based on rational attitudes, it bridged the gap between the new generation and past traditions. A correct cultural approach to the phenomenon of the Islamic Revolution, based on reason, action, idealistic religious orientation, and Shia beliefs, along with a rational view of the emergence of culture and movement in this path, accompanied by the growth and prosperity of the Islamic society's economy in Iran, can outline a possible and desirable future for the culture of the Islamic Revolution towards peace and security in the Middle East, based on the rich civilization potentials of Islamic Iran.

Key words: culture, Islam, Middle East, peace, security.

keywords: energy security, oil and gas, Iran

¹ Senior student of International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran

Sa.ma.mdh.1998@gmail.com

² Senior student of North American Studies, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

Niloufarzarrinkamari@gmail.com

³ PhD in International Relations

Hamzeh_Alipour@yahoo.com

⁴ Master of Science in International Relations, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

Alireza.sohrabinoor1999@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ | تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 5, No 17, Autumn 2023

سال پنجم، شماره ۱۷، پاییز ۱۴۰۲

ppt 179-201

صفحات ۲۰۱-۱۷۹

نقش فرهنگ ایرانی - اسلامی در برقراری صلح و امنیت منطقه ای (خاورمیانه) در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

سمانه مدحی^۱

نیلوفر زرین کمری^۲

حمزه علیپور^۳

علیرضاسهرابی نور^۴

چکیده

رشد گفتمان دینی در پی بازخوانی تفکر دینی از سوی انقلاب اسلامی بر اساس تلفیق جمهوریت و اسلامیت موجبات بسط و گسترش کمی و کیفی هنجارهای دینی و ارتقای روند فکری جوامع مسلمان متناسب با تحولات ابزاری و تکنولوژی مدرن گردید. انقلاب اسلامی با تأکید بر لزوم ارتقای توسعه و کارایی عناصر درونی و بومی جوامع اسلامی و ضرورت سازگاری و انطباق پویای آنها با تحولات جهانی و متناسب با مقتضیات زمان، توانست دیدگاهی منطقی و آگاهانه نسبت به واقعیات اعتقادی و تحولات اجتماعی ارائه دهد و با تکامل بخشیدن به مبادی فکری بر اساس نگرش‌های عقلانی، بین نسل جدید و سنت‌های گذشته پیوند برقرار سازد. نگاه فرهنگی

^۱ دانشجوی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Sa.ma.mdh.1998@gmail.com

^۲ دانشجوی ارشد مطالعات امریکای شمالی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

^۳ دکترای روابط بین‌الملل ازاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران

^۴ کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

صحیح به مقوله انقلاب اسلامی، مبتنی بر عقل، عمل، آرمان گرای دین مدارانه و شیعی و نگاه عقلانی صحیح به فرهنگ ظهور و حرکت در این مسیر همراه با رشد و شکوفایی اقتصادی جامعه اسلامی ایران می تواند آینده ممکن و مطلوبی را برای فرهنگ انقلاب اسلامی در راستای صلح و امنیت در منطقه خاورمیانه بر اساس ظرفیت های تمدنی غنی ایران اسلامی ترسیم کند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، اسلام، خاورمیانه، صلح و امنیت.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که در بهمن ۱۳۵۷ رخ داد، با رویکردی فرهنگی و اجتماعی سنتی، آغازگر تجربه‌ای جدید در گفتمان شیعی و حکومت دینی شد. این انقلاب به تأسیس حکومتی اسلامی بر پایه مفاهیم اسلامی و هویت شیعی انجامید. در آینده، با برنامه‌ریزی مطلوب و علمی، انقلاب اسلامی می‌تواند به توسعه و ترویج تفکر خود بپردازد. در این مسیر، آرمان‌خواهی، واقع‌بینی، عقل‌گرایی و معنویت‌گرایی از شاخصه‌های اساسی هستند. تلفیق اسلام و جمهوریت بر اساس آزادی‌های مشروع، رویکرد جدیدی از فقیهان شیعه به حکومت‌داری در عصر مدرنیته را نشان می‌دهد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تجلی یافته است.

انقلاب اسلامی ایران با شعار تغییر گفتمان‌ها و فرهنگ اجتماعی بر مبنای طاغوت، با چالش‌های فرهنگی مواجه است و نیازمند تبیین و تحلیل رابطه فرهنگ و انقلاب، هم در زمان وقوع و هم در استمرار نظام است. بررسی آینده انقلاب با رویکرد علمی و آینده‌پژوهانه می‌تواند جایگاه آن را نسبت به شعارهای اصلی روشن کند و راهبردهای مطلوب را ترسیم نماید. تغییرات و تحولات فرهنگی، تسهیل ارتباطات و گسترش تعاملات فرهنگی اجتماعی نیازمند سیاست‌های کلی و توجه به مسائل جزئی فرهنگی و پیوند آن با اقتصاد، سیاست و سایر ارکان جامعه است. اسلام سعادت انسان، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را هدف خود می‌داند و سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران بر حمایت از مظلومان و مبارزه با مستکبران استوار است. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که نقش فرهنگ ایرانی-اسلامی در برقراری صلح و امنیت در خاورمیانه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ چه بوده است؟ مطالعه حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری با منابع کتابخانه‌ای بوده است. فرضیه این است که ایران با داشتن هویت تاریخی و اسلامی در کنار شعائر انقلاب اسلامی تاثیر بسزایی در اعتلای فرهنگی و کاهش بحران‌ها در منطقه می‌تواند داشته باشد.

چارچوب مفهومی

پارسونز " فرهنگ را نیروی عمده ای می انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند میدهد، فرهنگ میانجی کنش متقابل میان کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می کند فرهنگ این خاصیت را دارد که کم و بیش میتواند بخشی از نظامهای دیگر گردد؛ بدین سان که فرهنگ در نظام اجتماعی به صورت هنجارها و ارزشها تجسم می یابد و در نظام ، شخصیتی ملکه ذهن کنشگران می. شود اما نظام فرهنگی تنها بخشی از نظام های دیگر نیست بلکه به صورت ذخیره، دانش نمادها و افکار وجود جداگانه ی نیز برای خود دارد. این جنبه های نظام فرهنگی در دسترس نظامهای اجتماعی و شخصیتی هستند ولی به بخشی از آنها تبدیل نمیشوند فرهنگ به معنای عام کل میراث اجتماعی بشریت است و به معنای خاص رگهای ویژه از میراث اجتماعی یعنی فرهنگ یک قوم یا ملت. بردال و همکارانش مینویسند: فرهنگها به سهم خود و از طریق ایجاد هویت های قومی، ملی و سیاسی در شکل دهی به نظام بین الملل ایفای نقش می کنند (جهان پرور و ربانی، ۱۳۹۹: ۷۲). برای مدیریت بهینه در هر حوزه ای، لازم است که سیاست های متناسب با آن حوزه اتخاذ گردد و مسیر را برای رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب هموار سازد. «سیاست گذاری فرهنگی، شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده ای است که بر نوع عملکرد یک نهاد اجتماعی در امور فرهنگی استیلا دارند. به این اعتبار، منظومه ای سامان یافته از اهداف نهایی درازمدت، میان برد، قابل سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در برمی گیرد. بنابراین الگوی سیاست گذاری فرهنگی الزاماً بر اساس هدف گذاری های خاصی که از اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده خود اخذ می کند، سامان می یابد. سیاست گذاری فرهنگی فاقد هدف گذاری های پیشینی، چیزی جز ترجمان عدم سیاست گذاری فرهنگی نیست» (وحید، ۱۳۸۲: ۵۵).

موضوع سیاست فرهنگی؛ تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی است. منظور از کالاهای فرهنگی، آن دسته از کالاهایی است که اصولاً برای تعالی ذات نوع بشر تولید می‌شوند و مهم‌ترین آن‌ها، کالاهایی هستند که حوزه‌های دانش، هنر، ادبیات و سرگرمی را پوشش می‌دهند. آنچه در سیاست فرهنگی، بیشتر اهمیت دارد، هدف(های) آن است. زیرا نه تنها یکی از وجوه مهم هر نوع سیاست‌گذاری، هدف‌هایی است که این نوع سیاست برای نیل به آن طراحی می‌شود، بلکه یکی از راه‌های ارزیابی هر نوع سیاست‌گذاری نیز، ارزیابی هدف‌های آن است. این ارزیابی دو جنبه را در برمی‌گیرد؛ نخست، خود هدف‌ها و دیگری، رابطه منطقی میان سیاست‌ها و هدف‌های آن» (وحید، ۱۳۸۲ : ۱۸۸). در حوزه فرهنگ، به دلیل کیفی بودن و قابل تفسیر بودن فعالیت‌ها، رسیدن به اجماع درباره چشم‌اندازها به مراتب پیچیده‌تر است. تفسیرها و تأویل‌های مختلف از مضامین، مفاهیم و واژه‌های موجود در حوزه مذکور نیز به این پیچیدگی دامن می‌زند. به این ترتیب، برای طراحی برنامه‌ریزی راهبردی در حوزه فرهنگ، نخست باید رسالت‌ها یا مأموریت‌های اساسی هر یک از حوزه‌های فرعی‌تر یا زیرمجموعه حوزه فرهنگ نظیر کتاب، مطبوعات،... و نیز ارزش‌ها و باورهای جامعه تدوین گردد و در قالب چشم‌انداز مشترک، اشتراک نظر تحقق یابد تا گام‌های بعدی به صورت منطقی طی شود» (همان : ۹۵-۹۳).

وضعیت فرهنگی و مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت اجتماعی ایرانیان

تاریخ هر کشور نقشی حساس در هویت ملی هر ملت داشته و عملاً ریشه‌های هویت یک ملت در تاریخ آن است و هویت ملی مانند ساقه‌ای است که همه اجزای فرهنگی یک ملت بر اساس آن وحدت می‌یابند. بر این اساس، تاریخ ایران زمین به‌ویژه در دوران شکوفایی اسلامی پشتوانه اساسی ملت ایران بوده و سرگذشت مشترکی را برای همه ایرانیان ایجاد می‌کند که به نوبه خود موجب نوعی قدرت نرم‌افزاری است. مردم ایران به دین و ملت خود علاقه شدید داشته و هر زمان تهدیدی را نسبت به کشور خود احساس کنند با تمامی توان به

مقابله با تهدید برمی‌خیزند. در بسیاری از کشورها برای رسیدن به چنین شرایطی هزینه‌های بسیاری صرف می‌گردد، درحالی‌که ریشه‌های عمیق هویت ملی ملت ایران، همه آن‌ها را در آمادگی دائمی نگاه می‌دارد (سیلان اردستانی، ۱۳۸۳: ۸۴).

با توجه به تعریف ملت، عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده هویت ملی ایران عبارت است از: سرزمین یا محدوده جغرافیایی، جمعیت، زبان، نژاد، مذهب، تاریخ مشترک، فرهنگ و سنت‌ها، ساختار سیاسی مشترک و روابط اقتصادی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

در این بین، گروهی اسلام شیعی را به‌عنوان زمینه اصلی هویت اجتماعی ایرانیان مطرح کردند. در این بخش، مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت اجتماعی ایرانیان برشمرده خواهند شد:

۱- اسلام‌گرایی و چارچوب فقهی برآمده از آن

از آنجاکه مذهب شیعه به هویت ملی ایرانیان و شفاف نمودن مرزهای ملی، فرهنگی و دینی آن‌ها با اقوام دیگر کمک شایانی کرد، خودبه‌خود به‌صورت عنصر مؤسس ایران جدید و احیاکننده عظمت گذشته و نماد استقلال این کشور جلوه‌گر شد. بالطبع از این رهگذر بر وزنه‌های سیاسی و اجتماعی نخبگان، مذهب نیز افزوده شد و آن‌ها را به‌صورت بارزترین نماد جامعه مدنی درآورد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۱۱-۴۱۱).

گرایش‌های نوین معتقدند که در جامعه وحی محور اسلامی، فقه به‌عنوان قانون بنیادین، جانشین منطق یونانی شده است و به لحاظ، سامانه معرفتی دگرگونی پدید آورده است که در چارچوب تلقی خاص غربی از عقلانیت قابل‌درک نیست. دولتی که در جامعه‌ای بانظم معنایی برآمده از فقه مستقر شده نیز در چارچوب جهان برساخته فقه عمل می‌کند و بر اساس بایدها و نبایدهای آن رفتار می‌کند و در صورت رفتار مخالف آن، مشروعیت خود را نزد مسلمانان از دست خواهد داد. از این جهت است که می‌توان به تأثیرگذاری صریح فقه در سیاست جوامع مسلمانان از طریق برساختن نگاهی خاص به جهان آگاه شد، امری که نظیری در چارچوب غربی آن ندارد (فیرحی، ۱۳۷۸: ۲۲۹-۲۳۱). دولت-ملت که اساس

نظم حاکم فعلی جهانی است. در چارچوب‌های فقهی، دولت دارای وظایفی است که نمونه قاعده نفی سیبیل از این دست است.

برخلاف روایت ملی‌گرایانه که حول محور ملیت و ایرانیت شکل می‌گیرد، نقطه کانونی و مرکز ثقل روایت اسلام شیعی از هویت ملی ایران، اسلامیت است. اسلام‌گرایی که بر اساس آموزه‌ها، تعالیم و دستورات قرائت شیعی از اسلام استوار است، مهم‌ترین منبع هویت و مرجع وفاداری ملت ایران را اسلام و تشیع می‌داند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). بر اساس این دیدگاه، سیاست در اسلام صرفاً امری دنیوی و فارغ از دین نیست، بلکه امری توحیدی-انسانی است که به دنبال تعالی جهان و ساخت دنیایی مبتنی بر آموزه‌های الهی است.

ایران یکی از کهن‌ترین کشورهای جهان است که خود بنیان‌گذار تمدنی فراگیر است و در تاریخ پرفرازونشیب خود به ایفای نقش‌های گوناگونی در صحنه نظام بین‌الملل پرداخته است. سیاست خارجی ایران در دوران پس از جنگ جهانی دوم همواره از سیاست همکاری با قدرت‌های غربی تا سیاست بی‌طرفی و حتی رویارویی در نوسان بود. سیاست خارجی ایران در دوران جنگ سرد تحت تأثیر شرایط موجود در آن قرار گرفت و به این ترتیب به متحد استراتژیک آمریکا تبدیل شد، واشنگتن امیدوار بود که ایران بتواند جلوی نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه را بگیرد، اما این ائتلاف راهبردی دیری نپایید و رژیم وابسته شاه در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م.) توسط مردم ایران در روند انقلاب اسلامی سرنگون شد و به این ترتیب جمهوری اسلامی بنیان نهاده شد، از آن هنگام تاکنون ایران و آمریکا روابط سرد، پر از تنش و خصمانه‌ای را سپری کرده‌اند (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

آگاهی از وضعیت موجود می‌تواند تصویری از کاستی‌ها و کمبودهای احتمالی به دست دهد تا هنگام ترسیم چشم‌انداز مطلوب مورد نظر قرار گیرند. بر همین اساس، یکی از وظایف مدیریت تحول فرهنگی، شناخت وضعیت موجود فرهنگی به منظور تأمین شرایط مناسب برای دستیابی به وضعیت مطلوب فرهنگی است.

۲- ذهنیت اسطوره‌ای تاریخی مبتنی بر ایرانی گرایی

ملت، ارزش، حیات و منزلتی مستقل و قائم به ذات دارد. فلسفه ایرانی هویت که انسان را اصل و حقیقت می‌شمارد از سرآغاز فرهنگ و تمدن ایران زمین نشئت می‌گیرد؛ چنان که فرهنگ زرتشتی انسان را موظف می‌داند که در جهان و در پیکار ابدی نور و ظلمت، به سود نور به میدان آید و تلاش پایان‌ناپذیر خود را بر آن‌نهد که چیرگی ظلمت و تباهی را مانع شود و پیروزی را در این پیکار شکوهمند از آن خود سازد (مجتهد زاده، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

تأثیر انقلاب اسلامی بر هویت فرهنگی ایران

انقلاب اسلامی، انقلابی در جهت بازگشت به سوی خداوند است که در برابر جهانی بر مبنای غفلت از حق قرار می‌گیرد و می‌خواهد این فضا را به هم بریزد. بنابراین آینده مطلوب ما بر اساس این مبانی جامعه‌ای است که با فرهنگ الهی ترسیم شود. آینده‌ای که در آن معرفت افزایی صورت بگیرد و جهل که بزرگ‌ترین ظلم است از بین برود. از نگاه ما آن جامعه مطلوب، جامعه مهدوی است؛ اما باید برای شناخت آن، نسبت انسان با جهان و خود را دریابیم. در قرآن وعده داده شده که درهای آسمان به روی انسان گشوده می‌شود؛ اما زمانی که این انسان جهان را تنها ماده‌ای برای تصرف و بهره‌برداری می‌پندارد، درهای جهان نیز به روی او بسته می‌شود. در واقع این مکر الهی است که جهان با انسان چنین رفتاری می‌نماید و بسیاری از افق‌ها و ساحت‌های جهان به روی انسان پوشیده می‌ماند. (پارسانیا، ۱۳۹۰: ۲). جمهوری اسلامی ایران نظامی است که با ملاحظات ملی (صرفاً مربوط به سرزمین ایران) و فراملی (عمدتاً مربوط به سرزمین اسلام)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر باید پاسخگویی سه نیاز اساسی باشد:

مسئله نوسازی و توسعه کشور و رفاه مادی و معنوی قابل قبول برای مردم
حفظ اسلام و منافع اسلامی و سازگار نمودن اهداف ملی با اهداف فراملی اسلام

مخالفت و مقابله با روندهایی که منافع ملی کشور را با چالش مواجه می‌سازد (اردم، ۱۳۹۳:۱). در همین راستا انقلاب اسلامی قدرت شرق و غرب را به چالش کشید. به گونه‌ای که منطقه‌گرایی، دموکراسی‌گرایی و افول سکولاریسم، یعنی چیزی که انقلاب اسلامی از ابتدای ظهور خود در پی آن بود، در جهان و منطقه گسترش پیدا کرد. به عبارت دیگر، مهم‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی این بود که ساختار نظام بین‌الملل را که عمدتاً بر اساس ابزار قدرت مادی شکل گرفته بود، با تکیه بر ابزار معنوی قدرت برهم زد و نشان داد که می‌توان با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و حرکت‌های توده مردم به قدرت رسیده و جامعه را اداره کرد. از این رو زنگ خطر جدی برای قدرت‌های سلطه‌گر به صدا درآمد؛ چراکه بیداری اسلامی با وقوع انقلاب اسلامی، شتاب فزاینده‌ای گرفت و گستردگی آن نیز بیشتر شد (از شمال افریقا تا جنوب شرقی آسیا) و ملت‌های مسلمان، سعادت و خوشبختی خود را در بازگشت و توسل به آموزه‌های اسلامی دیدند. (محمدی، ۱۳۸۶: ۴۷ - ۴۶).

انقلاب اسلامی که استقلال، آزادی و توسعه ملی را اهداف راهبردی کشور ایران می‌داند، نمی‌تواند به ماهیت نظام بین‌الملل بی‌تفاوت باشد. امروزه اغلب اندیشمندان روابط بین‌الملل معترف هستند که هیچ کشوری نمی‌تواند بدون توجه به نظام بین‌الملل، اهداف خود را دنبال نماید و نظام بین‌الملل در تأمین امنیت و ارتقای منافع ملی کشورها، نقشی تعیین‌کننده دارد. بر این راستا، برخی تحلیل‌گران اعتقاد دارند که پس از پایان جنگ سرد، بزرگ‌ترین دشمن جمهوری اسلامی ایران، آمریکا و عوامل گوناگونش در منطقه و سطح جهان است؛ بنابراین باید سعی نمود که نه تنها در ایران و در داخل کشورهای اسلامی، بلکه در تمام دنیا با ایالات متحده درگیر شد و از هر فرصتی و در هر جا برای ضربه زدن به آن کشور بهره برد. (مقصود، ۱۳۷۸: ۱۲۴). جمهوری اسلامی ایران نظامی است که با ملاحظات ملی (صرفاً مربوط به سرزمین ایران) و فراملی (عمدتاً مربوط به سرزمین اسلام)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر باید پاسخگوی سه نیاز اساسی باشد:

مسئله نوسازی و توسعه کشور و رفاه مادی و معنوی قابل قبول برای مردم

حفظ اسلام و منافع اسلامی و سازگار نمودن اهداف ملی با اهداف فراملی اسلام مخالفت و مقابله با روندهایی که منافع ملی کشور را با چالش مواجه می‌سازد (اردم، ۱۳۹۳:۱). در اینجا ما شاهد تضاد بین گفتمان انقلاب اسلامی و لیبرال دموکراسی غرب هستیم. این دو گفتمان، هم در هویت و ساختار معنایی و هم در ساختار منافع ناشی از این هویت‌ها با یکدیگر تعارض‌هایی دارند. گفتمان انقلاب اسلامی با نگاهی به ساختار دولت-ملت‌ها در گفتمان غربی به ساختار امتی در جهان اسلام توجه دارد و سعی در بازسازی و اتحاد در بین امت اسلامی پیامبر دارد (افضلی، ۱۳۸۷: ۵۰). این رویکرد انقلاب اسلامی ریشه در گذشته سیاسی تشیع از دوره‌های حکومت صفویه و قاجاریه و نیز آرمان‌های روشنفکران دینی ایرانی از جمله سید جمال‌الدین اسدآبادی دارد (همان: ۴۳).

هارتلند فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در منطقه

در مقدمه قانون اساسی به رسالت جهانی انقلاب عنایت خاصی مبذول شده است و چنین آمده است که قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران، زمینه تداوم این انقلاب را در خارج فراهم می‌کند به‌ویژه در گسترش روابط بین‌الملل با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.» (مدنی، ۱۳۷۰: ۴۳۲)

گفتمان انقلاب اسلامی با ظهور خود، ساختار ژئوپلیتیکی استعمار زده و تحت حاکمیت لیبرال دموکراسی جهان اسلام به‌ویژه منطقه خاورمیانه را به چالش کشید و با شعار بازگشت به اسلام و بازسازی گفتمان اسلامی، نوعی پویایی را در سطح ژئوپلیتیک منطقه به وجود آورد. اهداف کلی بیان‌شده از سوی گفتمان انقلاب اسلامی که سبب تغییر در نظم ژئوپلیتیکی در جهان اسلام و حداقل خاورمیانه شد به این شرح هستند:

استقرار حاکمیت اسلام و حفظ وحدت جهان اسلام؛

مبارزه با دشمنان اسلامی، استعمارگران و استثمارگران سرزمین‌های اسلامی؛

مبارزه با ظلم، سلطه و استعمار در سطح جهانی؛

کمک به نهضت‌های اسلامی، انسانی و رهایی‌بخش در سطح جهان؛

استقرار صلح و آرامش در جهان از راه براندازی ظلم، سلطه و استعمار و غیره (فاضلی نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

مبارزه با قدرت‌های سلطه‌گر و حمایت از مستضعفان جهان، همان‌گونه که یکی از اصول سیاست خارجی ایران است، از اهداف آن نیز به شمار می‌رود.

مدل انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان مدلی برای حرکت‌های اسلام‌گرایانه در منطقه مطرح بوده و هست و بعدها توانست در شکل‌گیری جنبش‌هایی چون حزب‌الله در لبنان و حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و حزب‌الله ترکیه و سایر کشورهای منطقه مؤثر باشد؛ اما به دلیل امتزاج دین و دولت در مدل بعد از انقلاب اسلامی، مردم ایران بسیاری از توقعات اقتصادی و سیاسی خود را از حاکمیت دینی طلب می‌کردند و نارضایتی‌های طبیعی موجود در ایران بر سر مسائلی چون معیشت و رفاه اقتصادی، فساد اداری و بوروکراتیک، آزادی‌های سیاسی و فرهنگی و... بخشی از جامعه مدنی نیمه‌جان ایران را در مقابل برخی گرایش‌های اقتدارگرایانه حاکمیت قرارداد و بدین‌سان طرفداران منطقه‌ای و جهانی الگوی انقلاب اسلامی ایران از طرفداران و پیروان داخلی آن پیشی گرفتند (آقازاده، ۱۳۸۷).

الگوی انقلاب اسلامی ایران به‌واسطه شکل‌دهی به محور مقاومت در برابر کشورهای غربی و متحدانش و نیز فعال‌سازی ظرفیت‌های اعتراضی مسلمانان و به‌ویژه شیعیان، سبب شکل‌گیری یک هارتلند فرهنگی منطبق بر هارتلند (سرزمین قلب) انرژی در جهان شده است که هم از نظر معنایی و هویتی و هم از نظر مادی و منافع در منطقه و جهان، غرب را به چالش کشیده است (رشیدی، ۱۳۹۲: ۹۶).

یکی از اهداف امام خمینی (ره) بعد از انقلاب اسلامی ایران، صدور انقلاب بود تا همه مسلمانان جهان بیدار شوند و جامعه اسلامی در سراسر جهان تشکیل شود؛ بنابراین انقلاب اسلامی ایران در بیداری مسلمانان از راه‌های زیر تأثیر گذاشته است:

۱- **الهام بخشی:** با ظهور انقلاب اسلامی در ایران خلأ بی‌هویتی در صحنه مبارزان ضد استکباری و صهیونیستی از بین رفت و هویت جدیدی به ملت‌ها و مبارزان راه آزادی و استقلال بخشیده شد (دانشور، ۱۳۹۰: ۶۸). در این میان، جنبش فلسطین برای خارج شدن از بن‌بست مبارزه بی‌فرجام خود، اسلام را تنها ابزار کارآمد یافته است (خمینی، ۱۳۶۹: ۲۰۴). وابسته نبودن انتفاضه (جنبش اسلامی ملت فلسطین) به گروه‌های داخلی و کشورهای خارجی و جایگزینی یک روش همه‌جانبه سیاسی، نظامی و فرهنگی به جای روش‌های صرفاً مسلحانه یا مسالمت‌آمیز، تبدیل مساجد به منابع الهام‌بخش روحیه جهاد اسلامی، ثبات و پیوستگی مبارزان، گسترش شمار مساجد به‌عنوان پایگاه مجاهدان، توسعه حضور مردم در نمازهای جمعه و جماعات و حمله مکرر به مشروب‌فروشی‌ها در دو دهه اخیر، از نشانه‌های رویکرد جنبش فلسطین به اسلام و به کارگیری شیوه‌های اسلامی انقلاب اسلامی ایران در مبارزه علیه اسرائیل است (صدیقی، ۱۳۷۵: ۷۰).

۲- **رشد معنویت جهان اسلام و میان توده‌های مسلمان:** ارتقای سطح معنویت در خاورمیانه به‌رغم گسترش سلطه فرهنگی غرب نشان می‌دهد التزام عملی به احکام اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رشد فراوانی داشته است. چهار متغیر را در این مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند:

- میزان اقامه نمازهای پنج‌گانه در سال ۱۹۷۸. م ۴۴/۴٪ اما در سال ۱۹۸۴. م به ۴۹٪ رسید؛
- قرائت قرآن مجید در هر روز در سال ۱۹۷۸. م ۱۱٪ که در سال ۱۹۸۴. م به ۱۲/۳٪ افزایش پیدا کرد؛

- روزه ماه رمضان هم در یک سال قبل از انقلاب اسلامی ایران ۷۳/۳٪ که این میزان طی پنج سال بعد از وقوع انقلاب به ۷۶/۳٪ رسید؛

- مطالعات مذهبی نیز به همین منوال سیر صعودی داشته است و از ۵/۱٪ در سال پیش از وقوع انقلاب اسلامی به ۷/۴٪ در پنج سال بعد از انقلاب رسیده است (گنجی ارجنکی، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

۳- **حمایت امام و سایر رهبران انقلاب از نهضت‌های اسلامی:** امام خمینی با اعتقاد راسخ به مسؤولیت دینی خود در قبال امت اسلامی، همواره بر موضع حمایتی خود از نهضت‌های اسلامی اصرار می‌ورزیده و تا آخرین مرحله، پشتیبانی همه‌جانبه و بی‌دریغ خود را از این جنبش‌ها اعلام داشته‌اند.

غور در سخنان امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نشان می‌دهد همواره روح استکبارستیزی را در جنبش‌های اسلامی تقویت کرده و خود را در شادی و غم آنان شریک دانسته‌اند. حتی در سال ۱۹۸۲ م که رژیم صهیونیستی تا پایتخت لبنان پیش رفت، جمهوری اسلامی نیروی کمکی به لبنان گسیل داشت؛ درحالی‌که همان زمان در عملیات بزرگ و سخت رمضان مشغول جنگ با همسایه غربی خود بود. اعلام حکم اعدام سلمان رشدی توسط امام خمینی (ره) نیز یکی از نقاط عطف بیداری اسلامی است که منشأ بسیاری از تحولات سیاسی و جهادی و بیداری عمومی در جهان اسلام شد (گنجی ارجنکی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

۴- **حمایت از انتفاضه مردم فلسطین و مبارزه با اسرائیل:** صهیونیسم به جنبشی گفته می‌شود که خواهان مهاجرت و بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و تشکیل دولت یهود است. صهیونیسم، همانند شوونیسم (ناسیونالیسم افراطی) است که با خوار شمردن ملت‌ها و نژادهای دیگر و با غلو در برتری خود، در پی نیل به قدرت سیاسی است. این جنبش در نیمه اول قرن ۱۳ شمسی /نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی در اروپا پا به عرصه حیات گذاشت، ولی واژه صهیونیسم، نخستین بار توسط به کار رفت و سپس ناحوم ساکوکو - مورخ صهیونیست - در کتاب «تاریخ صهیونیسم» از آن سخن گفت. (احمدی، ۱۳۷۷: ۳). به‌طور کلی، نفس اصول صهیونیسم و هدف آنان، ساختن یک مذهب و یک ملت و یک دولت از یهودیت است و می‌کوشد تا تمام یهودیان دنیا را با توسل به جنگ‌های توسعه‌طلبانه، در سرزمین فلسطین گرد هم آورد؛ زیرا بر اساس منطق عقل و قوانین جهانی، می‌توان بدون جنگ و زور و کشتار درجایی زندگی کرد و نباید به خاطر زندگی

طولانی مدت در یک سرزمین ادعای مالکیت آن سرزمین را کرده و آن را متعلق به ساکنین اصلی آنان ندانست. در حالی که صهیونیست‌ها به خاطر اینکه عده‌ای از یهودیان در مدت طولانی در سرزمین فلسطین زندگی کرده‌اند و در آنجا پیامبرانشان برای هدایت آنان فرستاده شده بودند، ادعای مالکیت فلسطین را با جنگ و کشتار مسلمانان داشته و برخلاف منطق عقل و تمام قوانین حقوق بشر عمل می‌کنند و همین نشانگر هدفی غیر از وطن‌دوستی است.

آمریکا و غرب به‌طور اصولی هوادار اسرائیل بوده و هستند و زمانی که مصر و جنبش فلسطین را به‌سوی سازش با اسرائیل کشاندند، برخی از کشورهای عربی و ایران در برابر این سیاست موضع‌گیری کردند. رهبری انقلاب اسلامی، از سال‌ها پیش از انقلاب، روی اسرائیل به‌عنوان یک خطر مهم برای منطقه و به‌ویژه نفوذ آن در ایران تکیه کرده بود. به همین دلیل بعد از پیروزی، همه شرایط ایجاب می‌کرد تا از انقلاب فلسطین دفاع شود. بلافاصله پس از انقلاب، سفارت فلسطین، بجای سفارت اسرائیل در تهران تأسیس شد و ایران از پذیرش اسرائیل به‌عنوان یک کشور خودداری کرد (جعفریان، ۱۳۷۸: ۱۱۶).

وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگو با یک شبکه آمریکایی، انقلاب اسلامی ایران را درخواست مردم برای شان و منزلشان توصیف کرد و گفت: مردم ایران پیش از انقلاب احترامی که استحقاقش را داشتند دریافت نمی‌کردند. محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگو با شبکه پی‌بی‌اس در پاسخ به این سؤال که انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ برای ایرانی‌ها چه معنی به همراه دارد، گفت: من فکر می‌کنم که مردم مختلف احساسات متفاوتی درباره انقلاب دارند اما بر این باورم که این‌یک درخواست برای شان و منزلت مردم ایران بود. آن‌ها می‌خواستند که برای آنچه بودند، آنچه تاریخشان بود و آنچه هویتشان بود به رسمیت شناخته شوند. (ظریف، ۱۳۹۶).

بنابراین، ایران که پیش از انقلاب اسلامی، یکی از کشورهای حافظ منافع رژیم اسرائیل بود پس از پیروزی انقلاب، کانون مبارزه با اسرائیل گردید و پرچم مبارزه‌ای که سران

کشورهای عربی با امضاء پیمان صلح کمپ دیوید به زمین گذارده بودند، امام به دست گرفت و مخالفت خود را با این پیمان صلح اعلام داشت (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۶). مسلمانان سایر جهان نیز معتقدند در این پیمان صلح به حقوق ملت فلسطین توجهی نشده و مخالفت جمهوری اسلامی را با آن منطقی می‌دانند.

عوامل مؤثر در آینده فرهنگ ایرانی - اسلامی در منطقه

باید پس از اشاره به وضعیت موجود، وضعیت مطلوب را ترسیم کرد تا نقطه هدف و مسیر رسیدن به آن به‌خوبی مشخص شود؛ اما همان‌گونه که فرهنگ موجود ما از فرهنگ واحدی به وجود نیامده است در بحث طراحی یک نسخه واحد فرهنگی نیز نگاه‌ها بسیار متعدد و متفاوت است و هنوز میان اندیشمندان نظری، مدیران و سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ، وحدت نظر وجود ندارد و هر کدام بر اساس نوع نگاه فرهنگی دینی، ملی و حتی غربی، فرهنگ مطلوب را برای مخاطبان خود تجویز می‌کنند و حتی این مسئله در بیان معتقدان به فرهنگ دینی یا ملی نیز این تفاوت نگاه به‌خوبی احساس می‌شود. همچنین در عرصه عمل نیز فعالان و مجریان فرهنگی نیز این تفاوت‌های اجرایی و عملکردی به‌خوبی مشهود است. با این اوصاف شاخص‌های تعیین نوع نگرش و تعیین وضعیت ظواهر عینی برای ترسیم فرهنگ معیار و انسان و جامعه مطلوب همچنان برای اندیشمندان و مدیران و فعالان عرصه فرهنگ مبهم است.

تعالی فرهنگ معارف اسلامی ما در ارتقاء و تعمیق فرهنگ ناب ایرانی و بازخوانی باورها و ارزش‌های اصیل ایرانی است. مهم‌ترین جامعه پذیرنده اسلام در زمان ظهور دین مبین اسلام، مردم فرهیخته و یکتاپرست ایران بوده‌اند و به‌خوبی ارزش و جایگاه الای معارف و اندیشه اسلام را درک نمودند. از سوی دیگر نیز باید اشاره کرد، رشد و پیشرفت واقعی مردم ایران در گرو توجه به ارزش‌ها و باورهای اسلامی بوده است و این دو فرهنگ (ایرانی و اسلامی)، دو بال برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی خواهد بود.

مردم امروز اعم از دانشمندان و صاحب‌نظران و انسان‌هایی که از اندک آگاهی بهره‌مند هستند، می‌توانند ماهیت فرهنگی مطلوب را که نجات‌دهنده بشر است، از محتوای مهم‌ترین دایره المعارف‌های دنیا استخراج کنند. این فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد.

از تعریف یا توصیف اخیر فرهنگ این نتیجه را به دست می‌آوریم که چون مقصود از فرهنگ کیفیت شایسته برای پدیده‌ها و فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌هاست لذا پذیرش و منعکس ساختن آن دسته از حقایق و نمودها و فعالیت‌های بشری که کاملاً منشأ و عوامل ضروری طبیعی دارد و از قوانین جبری پیروی می‌کند، جزء فرهنگ محسوب نمی‌شود؛ مانند خوردن غذا و آشامیدن آب، ولی آمیختگی این‌گونه اعمال با دعا چنان‌که در جوامع اسلامی و بعضی از جوامع دینی دیده می‌شود جزئی از مفهوم فرهنگ است. هم‌چنین دفاع از حیات و آماده کردن محیط‌زیست و ارتباط با واقعیات از طریق علمی و فلسفی یا به‌وسیله حواس نیز داخل در مفهوم فرهنگ است (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۲۹-۱۳۲).

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و به‌تبع آن امواج بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا جو سیاسی منطقه را دگرگون ساخت. بیشتر محققان مسائل اسلام، خاورمیانه و جهان عرب معتقدند که انقلاب اسلامی ایران بزرگ‌ترین محرک جنبش‌های سیاسی اسلام و بیداری و خیزش اسلامی است.

فرهنگ ایرانی - اسلامی و صلح و امنیت در خاورمیانه

هرگونه تحلیل عینی از ویژگی‌های ممتاز ایران بر زمینه منطقه متلاطم اطراف آن، ظرفیت بالای کشور برای ایفای یک نقش برجسته منطقه‌ای و جهانی را می‌نمایاند. جمهوری اسلامی می‌تواند فعالانه به ایجاد صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای کمک کند و نقش برجسته‌ای در مرحله انتقالی جاری در روابط بین‌المللی ایفا کند. در جهانی که سیاست‌های جهانی دیگر معادله‌ای تک‌بعدی نیست، پیشبرد سیاست‌ها در جهت منافع یک‌طرف بدون

در نظر گرفتن منافع دیگران، غیرقابل تصور است. راهبرد سازنده در دیپلماسی به معنی نادیده گرفتن حقوق دیگری نیست. بلکه بدان معنی است که بر مبنای احترام متقابل و موقعیت برابر با طرف دیگر وارد تعامل شوید تا بتوانید نگرانی‌های مشترک را پاسخ بگوئید و به اهداف مشترک دست یابید. به بیان دیگر، دستیابی به نتایج برد-برد تنها هدفی مطلوب نیست، بلکه هدفی دست‌یافتنی نیز است. تفکرات تک‌بعدی و جنگ سردی به زیان دیدن همه طرف‌ها منجر خواهد شد. بسیاری از اندیشمندان تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا را شورش بر مدرنیته وارداتی قلمداد کرد، نفوذ گسترده کشورهای غربی در شکل دادن به امور داخلی کشورهای عربی را پایه خشم و ناآرامی در این سرزمین‌ها دانسته و همچنین پیامد تلاش غرب برای جا انداختن ارزش‌های لیبرال در خاورمیانه عربی را چیزی جز بی‌ثباتی در منطقه نمی‌دانند. آمریکا با ایجاد بی‌ثباتی در خاورمیانه و شمال آفریقا با تضعیف بیداری اسلامی و کشورهای مسلمان، امواج اسلام‌گرایی در حال رشد را در منطقه ضعیف می‌کند تا از این طریق، بقایای نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی و حامیان دیکتاتور آن‌ها را در منطقه تضمین نماید و این مهم‌ترین چالش بیداری اسلامی در دهه‌های آتی در کشورهای مسلمانان خواهد بود.

امروز مهم‌ترین دستاویز دشمن برای مقابله‌ی با بیداری اسلامی، ایجاد اختلاف است. مسلمان را در مقابل مسلمان قرار دادن، مسلمان را به دست مسلمان از بین بردن، این‌ها را به هم مشغول کردن؛ چه چیزی بهتر از این برای دشمنان استقلال اسلامی که مسلمانان را به هم مشغول کنند؟... علاج این بیماری، احساس اتحاد بین مسلمین است؛ ملت‌های مسلمان باید باهم متحد شوند... امروز راه، فقط این است. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سالروز میلاد پیامبر مکرم اسلام صلوات‌الله‌علیه و آله، ۱۰ / ۱۱ / ۱۳۹۱). «امروز یکی از خطرناک‌ترین چیزهایی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید می‌کند، اختلاف‌افکنی و تبدیل این نهضت‌ها به معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی و قومی و ملی است. این توطئه هم‌اکنون از سوی سرویس‌های جاسوسی غرب و

صهیونیسم، با کمک دلارهای نفتی و سیاستمداران خودفروخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و به ویژه در منطقه‌ی عربی، با جد و اهتمام دنبال می‌شود و پولی که می‌توانست در خدمت بهروزی خلق خدا باشد، خرج تهدید و تکفیر و ترور و بمب‌گذاری و ریختن خون مسلمانان و برافروختن آتش کینه‌های درازمدت می‌گردد... نگاه هوشمندانه به صحنه‌ی درگیری‌های داخلی، دست دشمن را در پس این فاجعه‌ها به روشنی نشان می‌دهد... اکنون لیبی به گونه‌ای، مصر و تونس به گونه‌ای، سوریه به گونه‌ای، پاکستان به گونه‌ای و عراق و لبنان به گونه‌ای درگیر یا در معرض این شعله‌های خطرناک‌اند. باید بشدت مراقب و در پی علاج بود.» (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی تهران، سالن اجلاس سران، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹)

«جنگ‌های داخلی؛ عصبیت‌های کور دینی و مذهبی؛ بی‌ثباتی‌های سیاسی؛ رواج تروریسم قساوت آمیز؛ ظهور گروه‌ها و جریان‌های افراط‌گر...؛ همه و همه محصول نقشه‌ی شیطانی و استکباری سرویس‌های امنیتی بیگانگان و عوامل حکومتی همدست آنان در منطقه است که در زمینه‌های مستعد داخلی کشورها امکان وقوع می‌یابد... این اوضاع محنت‌بار، می‌تواند بیداری اسلامی را عقیم و آمادگی‌های روحی پدید آمده در دنیای اسلام را ضایع سازد و بار دیگر، سال‌های دراز، ملت‌های مسلمان را به رکود و انزوا و انحطاط بکشاند.» (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۹۲/۰۷/۱۹)

نتیجه گیری

فرهنگ میراث هزاران سال تلاش فکری، هنری و صنعتی نسل‌های گذشته یک ملت است. هر نسلی اندوخته‌های فرهنگی و تجارب زندگی و نیز عناصر فرهنگی خویش را، که معمولاً برگرفته از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم است، با شیوه‌های گوناگون به نسل بعدی منتقل می‌سازد، نسل بعد نیز اندوخته‌های خود را بر آن می‌افزاید و آن را به نسل پس از خویش انتقال می‌دهد. این جریان همواره در طول تاریخ ادامه داشته است. همان‌گونه که شخصیت یک فرد حاصل تجربیات فردی او است و موجب امتیاز او از دیگر افراد می‌گردد، فرهنگ یک جامعه نیز حاصل هزاران سال تجربه تلخ و شیرین آن جامعه است و این فرهنگ جامعه است که هویت آن را شکل داده و آن جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌سازد. در یک جامعه دینی فرهنگ جامعه، برگرفته از دین و آموزه‌های دینی است. در واقع، فرهنگ در یک جامعه دینی، همان فرهنگ دینی است که برخی از عناصر آن فرهنگ رایج جامعه است و بخشی نیز ارزش‌ها و هنجارهای دینی برگرفته از آموزه‌های دینی است.

طبیعی است که در ترسیم وضعیت مطلوب فرهنگی کشور، علاوه بر شناسایی وضعیت موجود فرهنگی کشور، به‌عنوان مجموعه‌ای از آداب، سنن، رسوم، هنرها، صنایع فرهنگی و... که حاصل تلاش هزاران سال فکری، هنری، صنعتی و به‌طور کلی، مجموعه محصولات فرهنگی یک ملت است، شناسایی باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی مردم مسلمان ایران نیز، که برگرفته از دین و آموزه‌های دینی آنان است و به‌طور کلی، شناسایی فرهنگ دینی آنان ضروری است.

با بررسی مطالب این مقاله می‌توان دریافت که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرتی مسلمان در منطقه و جهان، به دنبال استفاده از هویت اسلامی و شیعی خود در راستای شأن طلبی و استفاده از اصول اسلامی در راستای حمایت از مظلومان جهانی در مقابل استکبار است.

منابع

احمدی، حمید، (۱۳۷۷). «دولت، جامعه مدنی و اسلام‌گرایی در خاورمیانه-۲: بررسی تجربه مصر». ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، فروردین و اردیبهشت، شماره ۱۲۷-۱۲۸.

اردم، نیلوفر، «مؤلفه‌های راهبردی در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۴، به آدرس اینترنتی: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page//۱۹۳۰۴۳۴>

آقازاده، مازیار، (۱۳۸۷). چهارراه اسلام‌گرایی در خاورمیانه، روزنامه کارگزاران.

امام خمینی، (۱۳۶۲). در جستجوی راه از کلام امام، تهران: انتشارات امیرکبیر.

امام خمینی، (۱۳۶۲). در جستجوی راه از کلام امام، تهران: انتشارات امیرکبیر.

امام خمینی، (۱۳۷۸). صحیفه نور، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

پارسانیا، حمید، (۱۳۹۰). آینده مطلوب ما جامعه‌ای است که با فرهنگ الهی ترسیم شود، خبرگزاری بین‌المللی قرآن.

جعفریان، رسول، (۱۳۸۸)، اطلس شیعه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

خامنه‌ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، (۱۳۹۰). سخنرانی ویژه اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، تهران، ۱۳۹۰/۶/۲۶

خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۴). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

دانشور، اسماعیل (۱۳۹۰). «موج بیداری اسلامی و هراس رژیم صهیونیستی». ماهنامه پیام انقلاب، خرداد، شماره ۴۷.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۷). «سیاست خارجی رهایی‌بخش: نظریه انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، شماره دوم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- رشیدی، مصطفی، افشین متقی، (۱۳۹۲). تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای اسلام‌گرایی در جهان اسلام از منظر برساخت‌گرایی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۴، پاییز.
- سیمبر، رضا، (۱۳۸۹). «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانشگاه امام صادق، شماره ۱۲، پاییز و زمستان.
- صدیقی، کلیم (۱۳۷۵). نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی (ترجمه سید هادی خسروشاهی). تهران: انتشارات اطلاعات.
- ظریف، محمدجواد، (۱۳۹۶). انقلاب اسلامی درخواست مردم ایران برای شأن و منزلت بود، ایسنا.
- فاضلی‌نیا، نفیسه، (۱۳۸۵). علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه)، مجله علوم سیاسی، سال نهم، شماره سی و ششم، زمستان.
- گروه نویسندگان؛ (۱۳۸۵)، ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله)، چاپ دوم.
- گنجی‌ارجنکی، عبدالله (۱۳۸۸). موج سوم بیداری اسلامی. تهران: انتشارات اندیشه‌سازان نور.
- مجتهدزاده، پیروز (۶۸۳۱). دموکراسی و هویت ایرانی، تهران: کویر.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۲)، استراتژی نظامی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر، تهران: سروش.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۶)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مدنی، جلال‌الدین، (۱۳۷۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر همراه.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱). تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

وحید، مجید. (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز. مرکز بازشناسی اسلام و ایران. انتشارات باز.

فاضلی، محمد فاضلی. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.